

مطالعه سیر تحول نقش پردازی، اسلوب
بافت و رنگ آمیزی در دستبافت های
عرب چرپانلو



قالیچه عرب چرپانلو، دهه پنجم
تا هفتم قرن سیزدهم، ۱۶۲ در ۲۶۱
سانتی متر، موزه فرش ایران، مأخذ:
نگارنده.



مطالعه سیر تحول نقش پردازی، اسلوب بافت ورنگ آمیزی در دستبافت‌های عرب چرپانلو*

دکتر علی اصغر شیرازی** حسام کشاورز***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۸/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۲۱

چکیده

تیره عشایری عرب چرپانلو، که از روزگار قدیم در قنقروی و دهبید در منطقه فارس بیلاق داشته است و در یکصد سال اخیر به سبب مجاورت با قشقایی‌ها در سرحد چهاردانگه به طایفه شش بلوکی از ایل قشقایی پیوسته، دارای سنت فرش بافی منحصر به فردی است. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات ترکیبی، کتابخانه‌ای و میدانی - سیر تحول دستبافت‌های عرب چرپانلو را مورد تدقیق قرار داده است و بر آن بوده تا طرح و نقش دوره‌های مختلف این دستبافت‌ها را مطالعه کند. نتایج این جستار حاکی از آن بود که بافندگان عرب چرپانلو در دستبافت‌های خویش، که همه به نقش اشکالی است، شاهد چهار دوره به نسبت متمایز بوده‌اند: ۱. پیش از سده دوازدهم هجری که در زیر لوای ایل عرب در قنقروی گذران زندگی می‌کرده‌اند و سنت‌های فرش بافی ایل عرب مانند گره متقارن شماره ۱ و شیوه رنگ آمیزی تیره اندر تیره را به تمام و کمال در بافته‌های خویش به کار می‌بسته‌اند. ۲. محدوده زمانی سده دوازدهم تا نیمه سیزدهم هجری که تحت تأثیر همجواری با قشقایی‌ها به استفاده از نقوش قشقایی تبار روی آورده‌اند. ۳. دوره گذار در حدود نیمه سده سیزدهم هجری که در آن زمان به ایل قشقایی پیوسته و این مهم تأثیرات متقابلی را در پی داشته است. مهم‌ترین ویژگی این دوره افزایش ویژگی‌های قشقایی تبار در میان بافندگان عرب چرپانلو است. ۴. نود سال اخیر که دستبافت‌های این دوره در این جستار به «چرپانلو قشقایی» شناخته شده است و طی آن سنت فرش بافی جدیدی بر پایه اختلاط سنت‌های کهنه و نو در بین بافندگان عرب چرپانلو شکل گرفته است.

واژگان کلیدی

فرش، قشقایی، عرب چرپانلو، بوانات، قنقروی.

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مورد حمایت «صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، ریاست جمهوری معاونت علمی و فناوری» با عنوان مطالعه سیر تحول دستبافت‌های عشایری و روستایی در منطقه بوانات و قنقروی فارس است.

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران (مسئول مکاتبات)

Email: a.shirazi41@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران، استان تهران
Email: hesam.keshavarz@modares.ac.ir

مقدمه

مختلف ویژگی بارز و جدید پژوهش حاضر است.

معرفی تیره عرب چرپانلو

تیره «عرب چرپانلو» جمعیتی است از عرب‌های فارسی که از دیرباز در بلوک قنقروی و در نواحی آباده و بوانات و ده‌بید در شمال و شمال شرقی سرزمین فارس ساکن شده و به مرور زمان با بازماندگان طوایف خلج در هم آمیخته است. از آنجا که بلوک قونقروی هم مرز سرحد چهاردانگه و بیلاق طایفه‌های بزرگ ایل قشقایی است، عرب چرپانلوها - که نامشان تحریف شده «چوپانلو» است - رفته‌رفته به تابعیت ایل قشقایی درآمده و به طایفه شش‌بلوکی پیوسته و تیره‌ای از آن طایفه شده‌اند. هرچند محقق نیست که این گروه از چه زمان به شش‌بلوکی‌ها پیوسته‌اند، اما چون در فهرست تیره‌های ایل قشقایی در فارسنامه ناصری نامی از تیره عرب چرپانلو برده نشده است قاعدتاً بایستی ملحق شدن آنان به طایفه شش‌بلوکی کمتر از یک قرن پیش انجام گرفته باشد. از غرایب روزگار این است که صاحب فارسنامه در فهرست طوایف و تیره‌های ایلات عرب جباره و شیبانی نیز نامی از چرپانلو یا چوپانلو و یا نام تیره و طایفه‌ای نزدیک به این نام‌ها نمی‌برد (فسایی، ۱۳۸۲: ۱۵۸۰). از سوی دیگر نمونه‌هایی از دستبافت‌های شبه‌قشقایی عرب چرپانلو در دست هست که بیش از یکصد سال قدمت دارد و این حکایت از آن دارد که عرب چرپانلوها از دیرباز با قشقایی‌های سرحد چهارناحیه و لرهای ساکن این منطقه رابطه نزدیک داشته و زیر نفوذ آنان بوده‌اند.

ویژگی‌های بافندگی عرب چرپانلو

مهم‌ترین ویژگی بافندگی عرب چرپانلو در دستبافت‌های کهن گره متقارن شماره ۱ است (تصویر ۱). اما امروزه گره نامتقارن شماره ۱ (تصویر ۲) سنت بافندگی آنهاست که خاص قشقایی‌هاست و در فرش‌بافی عشایری و روستایی بوانات و قنقروی تنها در میان عرب‌های مزیدی دیده شده است. هر یک از این دو نوع گره به تناسب جهت پیچش خامه گره بر دو تار و اینکه خامه به نسبت تار سمت راست و تار سمت چپ چه حالتی داشته باشد وضع متفاوتی پیدا می‌کند. دستبافت‌های چرپانلوها همواره دو پود رنگ‌شده قرمز سیر دارد که به شیوه موج در میان تارها عبور داده شده‌اند. از سویی، شیرازه دورنگ دیگر ویژگی‌های بافته‌های این مردمان است.

ویژگی‌های رنگ‌آمیزی عرب چرپانلو

شیوه رنگ‌آمیزی «تیره اندر تیره» که سنت فرش‌بافی عشایری و روستایی بوانات و قنقروی است در دستبافت‌های این طایفه حاکم است و از آن دست سنت‌هاست که چرپانلوها از نواحی شمال فارس به میان قشقایی‌ها برده‌اند. در واقع، این‌گونه رنگ‌آمیزی در میان عشایر قشقایی نظیری به جز

سرزمین فارس به سبب وسعت از سده‌ها پیش دست‌کم دو گروه بزرگ عشایری را در خود جای داده است. بزرگ ایل قشقایی که بافندگان آن سرآمد همه بافندگان عشایری ایران - و بلکه جهان - هستند بخش بزرگی از فارس را در قلمرو بیلاقی و قشلاقی خویش درآورده است. دیگری «اتحادیه خمسه» است که از ایل‌های ترک‌زبان «اینالو» و «بهارلو» و «نفر» و ایل فارسی‌زبان «باصری» و ایل عرب لهجه «عرب^۱» تشکیل شده است.

ایل بزرگ عرب شامل بیست و چند طایفه بزرگ و کوچک است که هر یک چندین تیره دارد و پس از ایل بزرگ قشقایی بزرگ‌ترین جمعیت عشایری فارس است که تا پیش از اسکان ایلات (۱۳۱۱ش) اکثریت آن کوچ‌نشین بوده و همه‌ساله میان بیلاق و قشلاق آمد و شد داشته‌اند. هرچند چگونگی و مراحل مهاجرت طایفه‌های عرب به فارس و ماندگار شدن آنان در این سرزمین و زمان آغاز کوچ‌روی آنان روشن نیست، محقق است که این عربان بیابانگرد نخستین کوچروانی هستند که پس از اسلام - و قرن‌ها پیش از ترکان - در فارس توطن گزیده و پس از چندی به اقتضای شرایط اقلیمی و ضرورت‌های معیشت شبانی به کوچ سالانه میان چراگاه‌های تابستانی و زمستانی روی آورده‌اند. تیره عرب چرپانلو یکی از تیره‌های ایل عرب در فارس است که سنت فرش‌بافی کهن و منحصر به فردی دارد. هدف از جستار حاضر بررسی ویژگی‌های نقش‌پردازی و رنگ‌آمیزی و بافندگی عرب چرپانلو و سپس ارائه یک طبقه‌بندی از دستبافت‌های این تیره بر اساس دوره‌های مختلف تاریخی است.

سؤال اصلی این جستار عبارت است از اینکه: مهم‌ترین ویژگی‌های نقش‌پردازی، رنگ‌آمیزی و بافندگی تیره عرب چرپانلو چیست؟ این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بر مبنای مسئله اصلی تحقیق استوار شده است. جامعه آماری این پژوهش دستبافت‌های تیره عرب چرپانلو از حدود دوره زمانی اوایل سده دوازدهم تا نیمه سده چهاردهم هجری است.

پیشینه پژوهش

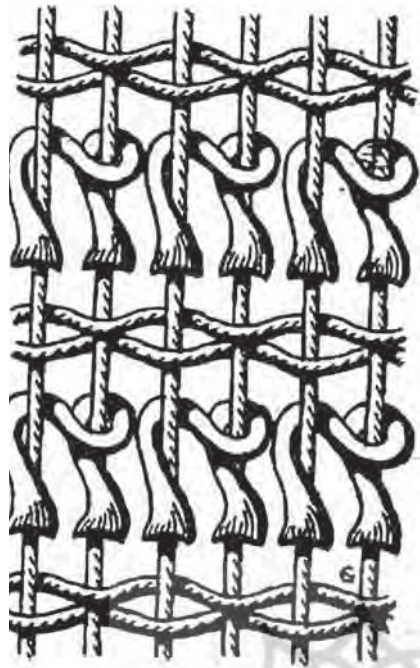
برجسته‌ترین کتابی که به دستبافت‌های عرب چرپانلو پرداخته است دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس نوشته سیروس پرهام است. پرهام در جلد اول این کتاب در بحث از نقوش اشکالی در میان قشقایی‌ها تعدادی از دستبافت‌های عرب چرپانلو را معرفی و توصیف کرده است. کتاب دیگر این نویسنده نیز با عنوان شاهکارهای فرش‌بافی فارس نمونه‌های دیگری از این دستبافت‌ها را به دست داده است. اما ارائه یک سیر تحول نظام‌مند از بافندگی عرب چرپانلو و تقسیم دستبافت‌های این تیره به دوره‌های

۱. آشکار شده است که عرب‌های فارس پس از ورود به این سرزمین در صدر اسلام با مردمان بومی این ناحیه در آمیخته و اختلاط فرهنگی پیدا کرده‌اند، چنان‌که امروزه زبان بومی مردمان فارس را به کار می‌برند و از زبان عربی تنها لهجه آن را حفظ کرده‌اند.

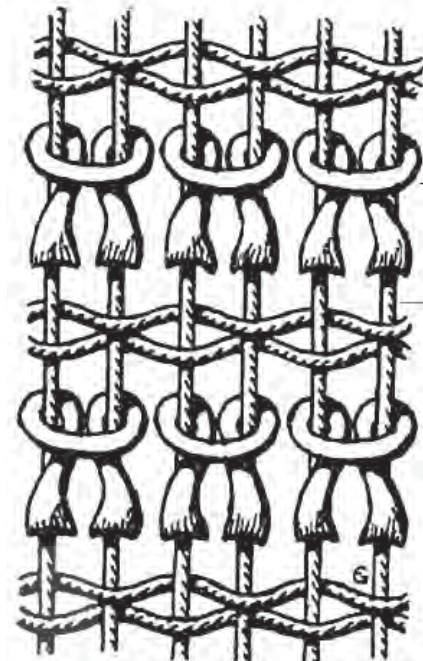
۲. جمعیت ایلات لر کهگیلویه و ممسنی البته بیشتر است، اما چون تقریباً نیمی از لرهای کهگیلویه بیرون از مرزهای فارس افتاده‌اند تمام عشایر لر جنوب ایران را نمی‌توان به حساب فارس گذاشت.

۳. لفظ چوپانلو، که در ترکی حاکمی از انتساب به کار شبانی است، بی‌گمان برگرفته از واقعیت زندگی این طایفه است که شبانانی هستند کوشنشین و بسیار سخت‌کوش و قوی‌بازو و گردنکش. از طرفی، لفظ «شبانی» خود در میان نام‌های خانوادگی برخی مردمان شش‌بلوکی، که عربان چرپانلو به آن‌ها پیوسته‌اند، وجود دارد. در «فراشیدن» - که محل قشلاقی شش‌بلوکی‌هاست در جنوب غربی فارس - نام فامیل شبانی در میان ترکان این طایفه مکرر مشاهده می‌شود.

۴. در گره متقارن شماره ۱ خامه در خط مستقیم و به طور هم‌سطح به دو رشته تار متصل می‌شود. اگر خامه دور تار سمت چپ بالاتر از خامه تار سمت راست قرار گیرد متقارن شماره ۲ و اگر خامه تار سمت راست بالاتر از خامه تار سمت چپ باشد متقارن شماره ۳ حاصل می‌شود. از سویی گره نامتقارن شماره ۱ هنگامی به وجود می‌آید که خامه دور تار سمت راست پیچیده شود و نامتقارن شماره ۲ دور تار سمت چپ. هرگاه گره تار سمت راست پایین‌تر از دنباله خامه‌ای قرار گیرد که از پشت تار سمت چپ گذرانده شده است گره نامتقارن شماره ۳ حاصل می‌شود و اگر برخلاف آن باشد و گره دور تار سمت چپ زده شود و پایین‌تر هم باشد نامتقارن شماره ۴ به دست می‌آید.



تصویر ۲. گره نامتقارن شماره ۱، مأخذ: همان



تصویر ۱. گره متقارن شماره ۱، مأخذ: تناولی، ۱۳۵۶: ۲۷

است:

۱. دوره‌ای که در زیر لوای ایل عرب در قنقروی گذران زندگی می‌کرده‌است و سنت‌های فرش‌بافی ایل عرب را به‌تمام و کمال در بافته‌های خویش به کار می‌بسته است
۲. دوره‌ای که تحت تأثیر همجواری با قشقایی‌ها به استفاده از نقوش قشقایی تبار رو آورده است
۳. «دوره گذار» که در آن زمان به ایل قشقایی پیوسته و این مهم تأثیرات متقابلی را در پی داشته است.
۴. دوره «چرپانلو قشقایی» که سنت فرش‌بافی جدیدی بر پایه اختلاط سنت‌های کهنه و نو در بین بافندگان عرب چرپانلو شکل گرفته است.

دستبافت‌های دوره‌های چهارگانه تیره عرب چرپانلو

از دوره نخست بافته‌های اشکالی عرب چرپانلو نمونه‌ای به دست نیامده است. گفته‌ها و شنیده‌ها درباره کهن‌ترین بافته چرپانلوها نیز یا چنان به سنت فرش‌بافی ایل عرب گره خورده است که گاه پژوهشگران بافته‌ای کاملاً بواناتی را به اشتباه عرب چرپانلو می‌خوانند (نک. فسایی، ۱۳۷۱: ۱۶۵) و یا دستبافته‌ای است متعلق به دوره‌های بعدی. با این حال، به احتمال قریب به یقین تا پیش از اواخر سده نوزدهم مسیحی بافندگان عرب چرپانلو به همان سبک و سیاق عرب‌های قنقروی فرش می‌بافته‌اند. دلیل این استدلال را باید در تحلیل ویژگی‌های خاص بافته‌های این عشایر در دوره نخست جستجو کرد: نخست گره متقارن شماره ۱ - در کهن‌ترین نمونه‌های موجود - که جایی در بین عشایر

دستبافت‌های چرپانلو ندارد. رنگ‌هایی مانند لاک، قرمز، طلایی حنایی‌فام، بادمجانی سیر، قهوه‌ای، آبی تیره، آبی آسمانی، یشمی تیره، سبز سیر و زیتونی، چنان‌که خواهیم دید، از رنگ‌های خاص منطقه بوانات و قنقروی است.

ویژگی‌های نقش‌پردازی عرب چرپانلو

چنان‌که اشاره کردیم از نظر تاریخی و نیز نقش‌پردازی بافته‌های عرب چرپانلو به چهار دوره قابل تفکیک هستند. در طی تاریخ، بافندگان چرپانلو جز نقش اشکالی راه و رسم دیگری نشناخته‌اند و یک بافته منتظم عرب چرپانلو یا تا به حال بافته نشده و یا در گذشته‌های بسیار دور بوده و امروزه از بین رفته است. اغلب دستبافت‌های اشکالی کهن عرب چرپانلو به نقش لچک‌ترنج هستند، اما در دوره‌های اخیرتر نقوش «ترنج‌ترنج» و «ترنج‌نیم‌ترنج» نیز در میان بافندگان این طایفه رواج یافته است.

دوره‌های مختلف فرش‌بافی عرب چرپانلو

سنت فرش‌بافی عرب چرپانلو تماماً به نقش اشکالی است. نقش اشکالی، چنانکه از نامش برمی‌آید، «ترکیبی است درهم از شکل‌ها و نگاره‌ها و نقش‌مایه‌های گوناگون و پراکنده که - برخلاف شاخ و برگ و گل - رابطه مستقیم و آشکار با یکدیگر ندارند و مانند نقش‌های سرتاسری ماهی درهم و ناظم و محرمات و نیز طرح‌های اسلیمی و ختایی به هم پیوسته نیستند» (پرهام، ۱۳۷۰: ۹۵). تیره عرب چرپانلو در فرش‌بافی خویش شاهد چهار دوره به نسبت متمایز بوده



تصویر ۴. قالیچه عرب چرپانلو، ده‌بید، قنقری علیا، دهه سوم قرن چهاردهم، ۱۸۸ در ۱۲۳ سانتی‌متر، مأخذ: فسایی، ۱۳۷۱: ۱۴۵



تصویر ۳. قالیچه عرب چرپانلو، قنقری، ربع دوم سده سیزدهم هجری، ۱۹۲ در ۱۱۶ سانتی‌متر، مأخذ: پرهام، ۱۳۷۵: ۱۰۹

قشقای نادار؛ دوم شیوه رنگ‌آمیزی تیره اندر تیره، به‌ویژه در بافته‌های قدیم‌تر، که سنت فرش‌بافی عرب‌های قنقری و بوانات است؛ و سوم غنای کمتر نقش اشکالی (حداکثر ۲۵ نگاره در یک بافته) - باز در قدیم‌ترین بافته‌ها - نسبت به بافته‌های قشقای که ویژه عرب‌هاست زیرا قشقای‌ها در هر حالتی کمتر از سی نگاره در بافته‌های اشکالی ندارند. در دستبافت‌های دوره دوم، که از آن نمونه‌های محدودی در دست است، در حالی که هنوز سنت‌های فرش‌بافی ایل عرب ناحیه در فرش‌بافی چرپانلوها مشاهده می‌شود، نقشمایه‌هایی همچون ماهی‌درهم که در فارس از ویژگی‌های فرش‌بافی قشقای است در زمینه بافته‌ها ظاهر می‌شود. این دوره در محدوده زمانی سده دوازدهم تا نیمه سیزدهم هجری جای می‌گیرد. تصویر ۳ یکی از بافته‌های دوره دوم را نشان می‌دهد. به نگاه نخست، عرب چرپانلو بودن این فرش عتیق سخت دشوار می‌نماید. این ویژگی درباره بیشتر دستبافت‌های دو گروه اول به نسبت کهن بودن مصداق دارد. فراوانی نگاره‌های گیاهی (گل‌های کوکب و زنبق) و خلوتی نسبی نقش‌پردازی - که تجانسی با نقش‌پردازی اشکالی و مترکم عرب چرپانلوهای دوره آخر ندارد - و

سبک طراحی سه‌گوش‌های پیوسته که به سبک گلیم و گبه با لخته‌های رنگ خالص رنگ‌آمیزی شده و جز طوطی‌های ساده‌شده نگاره‌ای بر آن‌ها نیست، و سرانجام سبک حاشیه‌پردازی و طراحی متعارف ترنج‌ها و سرترنج‌ها، همه به مکتب فرش‌بافی عرب‌های بوانات و قنقری مربوط می‌شود و با بافته‌های قشقای سازگاری ندارد. از سوی دیگر نگاره ترنج مرکزی نقشمایه کهن «میان‌ترنج فارسی‌لری» است. از جانب دیگر، نقشمایه‌های «چهارماهی» که گلی هشت‌پر را در میان گرفته‌اند به سنت فرش‌بافی قشقای نزدیک هستند. اما نیلوفرهای آبی یا نخل‌های بادبزنی، پنج‌شاخه و پایه‌دار، و اسلوب بافت (گره متقارن شماره ۱ با دو پود موج قرمز مخلوط قهوه‌ای روشن) گواه عرب چرپانلو بودن این دستبافته تمام‌پشم است. پیداست که مکتب خاص طراحی و نقش‌پردازی عرب چرپانلو قشقای در نخستین مرحله تکوین است و هنوز بدانجا نرسیده که نسب قشقای دستبافت از هر گوشه‌اش نمایان باشد. سبک طراحی و رنگ‌آمیزی «حاشیه شاهپرکی» به کل غیرقشقای و کم‌وبیش نزدیک به فرش‌بافی ایل باصری است. این دستبافت شاید کهن‌ترین بافته عرب چرپانلو باشد که به روزگار ما رسیده است.

۱. این حاشیه کم‌وبیش در بیشتر مناطق بافندگی ایران و مناطق همجوار بافته می‌شود.

می‌آید افزایش ویژگی‌های قشقایی تبار است که قالی قشقایی با آن‌ها شناخته می‌شود. از سوی دیگر، از منظر بافندگی استمرار گره متقارن شماره ۱ و شیرازه دورنگ همچنان در بافته‌های دوره گذار دیده می‌شود.

تصویر ۴ یکی از بافته‌های اشکالی عرب چرپانلو در دوره گذار است که تمام‌پشم بوده و نقشه لچک‌ترنج ماهی‌درهم آن نشان از تأثیرات تازه قوت‌گرفته قشقایی‌ها دارد. زمینه آبی نفتی (آبی سیر) این بافته و حاشیه‌های آن که به رنگ‌های سورمه‌ای و نارنجی است بر طبق سنت رنگ‌آمیزی تیره‌فام عرب‌های قنقری سامان یافته است. چنین است رنگ‌آمیزی لچک‌ها و ترنج مرکزی به رنگ‌های نخودی (پشم خودرنگ نخودی) و لاک‌ی.

پانزده نگاره متفاوت در شکل‌گیری زمینه این قالی اشکالی نقش داشته‌اند و بر طبق سلیقه بافنده چیده شده‌اند. از ظاهر طرح مشخص است که بافنده عرب چرپانلو به یک واگیره ماهی‌درهم یا فرشی با این طرح از قشقایی‌ها دسترسی پیدا کرده و رها از هر گونه تعلق آن واگیره را در نقش‌پردازی زمینه فرش به کار برده است. در اینجا یکی از مراحل تبدیل نقشمایه میان‌ترنج فارسی‌لری را به ترنج قشقایی نظاره‌گر هستیم. در اینجا بر خلاف نمونه پیشین نرمش و پیچش و ظرافتی به چشم می‌خورد که آن را از یک نگاره اصیل و به نسبت خشن به شکل نگاره‌ای مدور و لطیف درآورده است. حاشیه‌های قالیچه باریک است و دو رشته از بته‌جقه متن در آن دیده می‌شود. لچک‌ها به نقش «بته قبادخانی» است که مربوط به مکتب نقش‌پردازی قشقایی است.

در واقع، دوره گذار نقش اشکالی عرب چرپانلو را باید دریچه‌ای به قالی‌های نیم سده اخیر این مردمان بدانیم، قالی‌های که آینه‌ای از فصل جدایی تیره عرب چرپانلو از همخونان خویش و پیوستن به ترک‌زبانان بزرگ‌گایل قشقایی هستند. بی سبب نیست که پرویز تناولی می‌نویسد: «نزدیکی و روابطی که ایلات قشقایی با قسمت‌هایی از ایل خمسه به علت سوابق ایلاتی و زبان داشته‌اند دست‌بافت‌های آن‌ها را به هم نزدیک کرده است به طوری که گاهی بافته‌های آن‌ها از لحاظ طرح و رنگ با بافته‌های قشقایی اشتباه می‌شود (تناولی، ۱۳۵۶: ۶۲).

بافته‌های اشکالی نود سال اخیر عرب چرپانلو تلفیقی از سنت‌های کهنه و نو هستند که خود به سنتی بی‌بدیل و باهویت در فرش‌بافی فارس و ایل قشقایی تبدیل شده‌اند. این دستبافت‌ها و مقطع زمانی بافت آن‌ها را به سبب ویژگی‌های دوگانه «چرپانلو-قشقایی» نام نهاده‌ایم. سرسختی و قوی‌پنجگی و دلیری و گستاخی عرب چرپانلوهای بلندقامت چهارشانه در این دوره بیش از هر چیز در طراحی فرش‌هایشان نمایان است و بیش از همه در سرپیچی آنان از قانون حاشیه‌پردازی. نقشمایه‌های تقریباً اختصاصی - که آن‌ها را می‌توان انگ و نشانه قالی عرب چرپانلو دانست



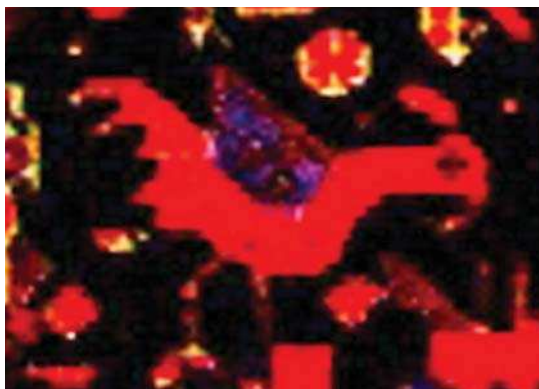
تصویر ۵. نقش چهار ماهی و لوزی، عرب چرپانلو، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۶. نقش گلبوته بته‌ای، عرب چرپانلو، مأخذ: همان.

طوطی‌هایی که بر لچک‌ها و سه‌گوش‌های بسیار پرجاذبه نشسته‌اند از نگاره‌های خاص منطقه سرحد چهاردانگه و قلمرو قشقایی‌ها هستند. سبک رنگ‌آمیزی این دستبافت با رنگ‌های تیره‌فامی مانند سورمه‌ای موجود در زمینه، لاک‌ی سیر در ترنج مرکزی و لچک‌ها و حاشیه اصلی و قهوه‌ای خرمایی در کنار نارنجی‌های سیر به سنت رنگ‌آمیزی «تیره اندر تیره» در بین بافندگان عرب بوانات و قنقری پیوند خورده است. از سوی دیگر، بیش از هشت رنگ متفاوت در این دستبافت به کار نرفته است.

دوره گذار دستبافت‌های عرب چرپانلو، مقطعی در نیمه سده سیزدهم هجری است که این تیره به احتمال زیاد در این زمان از طوایف عرب جدا و به ایل قشقایی پیوسته است. آنچه در نقش‌پردازی این بافته‌های در نگاه اول به چشم



تصویر ۷. نقش مرغی، عرب چرپانلو، مأخذ: همان



تصویر ۸. نقش چهارپر در فرش بافی عرب چرپانلو، مأخذ: همان

بیشتر قالی‌های عرب چرپانلو حاشیه به مفهوم متداول - که متشکل باشد از حاشیه پهن اصلی در وسط و چند نوار حاشیه فرعی به موازات آن - ندارد و یکی از علائم این طایفه را همین حاشیه پردازی غیر متعارف باید دانست که غالباً از چند ردیف حاشیه باریک فرعی درست می‌شود. جفت بودن ترنج‌ها نیز استثنایی است خوشایند بر اصل و قاعده فرد بودن ترنج‌ها. ردیف سه‌گوش‌هایی که لچک‌ها را از درازا به هم وصل می‌کند در دستبافت‌های دیگر مناطق فارس مانند ایگر و باصری نیز کاربرد دارد. پرز فرش بسیار نرم و به هم چسبیده و رنگ‌ها در کمال پختگی و استحکام است. تصویر ۱۰ از نمونه‌های اشکالی دیگر چرپانلو قشقایی است که بیشتر نقش‌مایه‌ها و ویژگی‌های قالی‌بافی عرب چرپانلو را در این فرش بلند می‌بینیم با اضافه نگاره‌هایی تازه و بدیع، از جمله بوته‌ها و درختچه‌هایی که برگ‌ها یا گل‌های سه‌گوش دارد و نیز نمونه‌ای چشمگیر از شیوه خاص دورگیری ترنج‌ها به کمک دو ردیف موازی از نوارهای راه‌راه رنگارنگ که قشقایی‌ها به آن «نقش آب» می‌گویند. حاشیه پردازی همچنان به سبک غریب و خلاف عرف عرب چرپانلوهاست: یا سه حاشیه همسان هم‌نقش (مانند نمونه قبل)، یا خالی گذاشتن یک سمت حاشیه اصلی و پرکردن سمت دیگر را با چند حاشیه باریک و یا، مانند این فرش، یک حاشیه پهن که از یک سمت با یک حاشیه باریک و از یک سمت دیگر با دو حاشیه محصور شده است.

- یکی ماهی‌های درشت است با اندام راست و سر سه‌گوش هندسی و پرک‌های کشیده و باله‌های چلیپایی که نگاره مرکب لوزی‌شکلی را احاطه کرده‌اند (تصویر ۵)؛ دیگر سرترنج‌های چنگک‌دار که چهارگل در میان دارد؛ گلبوته‌هایی با برگ و گل بته‌ای (تصویر ۶) و درخت‌هایی که برگ یا گل آن‌ها لوزی شکل است و اصلیت لری دارد؛ پرندگان لکلک مانند درازگردنی که به درنا شباهت تام دارند که در فرهنگ مردم فارس پرندهای خوش یمن است (تصویر ۷)؛ نگاره‌های بته‌مانند شاخک‌دار؛ و نقش‌مایه‌ای با چهار پره مانند چرخ و فلک و پره‌های آسیاب بادی^۱ (تصویر ۸) و در این زمان به جز حاشیه «چهاربته» چیزی در فرش‌های این تیره نمی‌توان یافت که با سنت فرش بافی عرب‌های فارسی ارتباط داشته باشد. علاوه بر این، در این زمان رنگ آمیزی هم یکسره به شیوه قشقایی‌های انجام می‌پذیرد. بافته‌های اشکالی این دوره را به سبب ویژگی‌های متعدد قشقایی که در این بافته‌ها به چشم می‌خورد «چرپانلو- قشقایی» نام نهاده‌ایم. ویژگی‌های بافندگی دستبافت‌های چرپانلو- قشقایی با دوره‌های قبل تفاوت بارز دارد، چرا که در این بافته‌ها گره نامتقارن شماره ۱ - که در میان قشقایی‌ها رواج زیادی دارد - مسلط گشته است.

اگر در دستبافت‌های دوره دوم و سوم تنها شاهد تأثیرپذیری چرپانلوها در حوزه نقش پردازی از همسایگان قشقایی آنها بودیم، در دوره چهارم این تأثیرپذیری - که دیگر دامنه‌دار شده است - به اسلوب بافت و حتی رنگ آمیزی نیز کشیده می‌شود. بدیهی است با چرخش نسل و دست‌به‌کار شدن بافندگان جوانی که در میان قشقایی‌ها متولد شده و «قشقایی» محسوب می‌شوند اسلوب بافت جدید به تدریج جای سنت‌های سابق را می‌گیرد.

تصویر ۹ یکی از نمونه‌های اولیه چرپانلو- قشقایی را به نمایش می‌گذارد. این چشم‌انداز غریب و رویایی عرب چرپانلو از نمونه‌های ممتاز و اصیل فرش‌های اشکالی و ایللیاتی است و یکی از پرنقش‌ونگارترین آن‌ها (با ۴۳ نگاره متمایز). طراحی این فرش شگرف - که در عین پیچیدگی بسیار موزون و متعادل است و در عین درهم ریختگی استوار و پرصورت - همان قدر برجسته و چشمگیر است که رنگ‌های توانگر و بیش از همه قرمز روناسی ارغوانی فام و منکوب‌کننده‌اش که گویی تمامی هستی بیننده را در برمی‌گیرد. از نگاره‌های خاص و کاملاً استثنایی این قالیچه یکی درخت‌های شیوه یافته قاب‌شده‌ای است که در زمینه فرش بدون قاب به کار رفته است؛^۲ دیگر نگاره‌های چهارپر لوزی که از چهار لوزی راه‌راه - که هر کدام شش لوزی کوچکتر را در بر گرفته - تشکیل شده است (در قسمت بالای فرش)؛ و دیگر مرغ‌هایی که منقار پیکانی دارند در دو سمت ترنج‌ها.

حاشیه فرش - که از سه حاشیه باریک و همسان و هم‌نقش، به نقش «شاخه شکسته» معروف به «ماهی- نیم‌گل»^۳ درست شده است - در عین غرابت‌گیری خاصی دارد. ۴ اصولاً

۱. همانند این نگاره در سوزن‌دوزی‌های بختیاری و لری فارسی نیز هست که معمولاً در حاشیه فوقانی خورجین و جوال - در فاصله شکاف‌هایی که برای گذراندن و گره‌زدن بندها تعبیه شده است - بافته می‌شود.

۲. این شیوه درخت‌نگاری در فرش‌های عتیق قفقاز، به خصوص آکستافا، نیز سابقه دارد.

۳. ظاهراً به لحاظ شباهت برگ‌ها به ماهی شیوه یافته نقش ماهی درهم و شاید هم به لحاظ آنکه نقش معروف به ماهی در ابتدا برگ شیوه گرفته ساده‌شده‌ای بوده که به ماهی شباهت داشته است.

۴. حاشیه مشهور به ماهی- نیم‌گل، علاوه بر دستبافت‌های عرب چرپانلو، در بافته‌های تیره‌های دیگر قشقایی مانند شکرلو و رحیم‌لو نیز به کار می‌رود.



تصویر ۱۰. قالیچه عرب چرپانلو، دهه هفتم تا هشتم قرن سیزدهم. ۱۴۲ در ۳۱۱ سانتی متر. مأخذ: همان، ۱۱۸.



تصویر ۱۱. نقشمایه نیلوفر آبی در فرش عرب چرپانلو. مأخذ: نگارندگان.

«ترنج نیم ترنج» نشان می دهد. فاصله میان ترنج ها و نیم ترنج ها را نگاره های اشکالی گوناگون پر کرده است که عده ای از آن ها اختصاصی عرب چرپانلوست. رنگ آمیزی همسان و هماهنگ ترنج ها و



تصویر ۹. قالیچه عرب چرپانلو، دهه پنجم تا هفتم قرن سیزدهم. ۱۵۲ در ۲۳۵ سانتی متر، مأخذ: پرهام، ۱۳۷۰: ۱۱۵.

در اینجا باز هم سرسری گرفتن طراحی و خیره سری هوسبازانه و آن عصیان طنزآلود را شاهدیم: در بافت حاشیه باریک سفید که با خطوط تند و شکسته زنجیره پنج عقابی آغاز می گردد و پایان می گیرد اما در نیمه های راه به خطوط نرم و گردان گل و گیاه تبدیل می شود! نقش حاشیه اصلی، که همان شاخه شکسته یا ماهی نیم گل است منتهی با شکستگی مضاعف و افزوده شدن نگاره ای هندسی در حد فاصل شکستگی ها، و همچنین شباهت کامل نقش داخل لچک های سفید با نقش لچک های خصوصاً بته های قبادخانی قابل توجه است. به نظر می رسد که در این دوره استفاده از نقشمایه بته در لچک ها کاملاً در فرش بافی عرب چرپانلو رایج شده است.

در این فرش، نقشمایه «نیلوفر آبی» به همان شیوه رایج در نقش ماهی درهم به کار رفته (تصویر ۱۱) و گل های هشت پر به شیوه عرب چرپانلو درشت تر و چشمگیرتر بافته شده است. تنها نگاره «خورشید آریایی» در سمت چپ فرش چسبیده به کنگره حاشیه درونی جا گرفته است.

در سیر تحول قالی های اشکالی چرپانلو قشقای به طریقی به نام «ترنج نیم ترنج» برمی خوریم که خود دستمایه ای برای حصول به نقشی کامل تر است. تصویر ۱۲ یکی از دستبافت های اشکالی چرپانلو قشقای را با نقش



تصویر ۱۳. قالیچه عرب چرپانلو، دهه پنجم تا هفتم قرن سیزدهم، ۱۶۲ در ۲۶۱ سانتی‌متر. موزه فرش ایران، مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۲. قالیچه عرب چرپانلو، دهه سوم قرن چهاردهم، ۱۳۹ در ۲۵۳ سانتی‌متر، مأخذ: مجموعه خصوصی، هامبورگ.

دانست. فراوانی گل‌های شطرنجی، درناهای شیوه‌یافته (در لچک‌های پایینی)، چهار نشان ساسانی و چهار «خورشید آریایی»، نخل‌های بادبزی شیوه‌یافته و سه نقش‌مایه و یژه ناتمام که هریک ستاره‌های هشت‌پر در میان دارد (در فاصله میان لچک‌ها و ترنج فوقانی و سمت چپ سرترنج دوم از پایین، هر سه به رنگ سفید) و بته‌های قبادخانی لچک‌ها همگی شایسته توجه و تأمل است.

طرح «ترنج-نیم‌ترنج» در سیر تکامل به طرح «ترنج-ترنج» یا «ترنج کامل» می‌رسد که باید آن را اوج فرش‌بافی اشکالی عرب چرپانلو در دوره معاصر دانست. در این‌گونه از یافته‌ها، بافندگان عرب چرپانلو پس از قریب به یک سده دگرگونی در سنت‌های نقش‌پردازی، به شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد دست یافته‌اند، شیوه‌ای که می‌تواند عصاره‌ای از چهار دوره پرفراز و نشیب در فرش‌بافی این تیره اصالتاً عرب باشد. یکی از بهترین نمونه‌های طرح «ترنج-ترنج» عرب چرپانلو هم‌اکنون جزو مجموعه فرش ایران است (تصویر ۱۳).

در این فرش «حوضی» یا «ترنج‌ترنج»^۱ انبوه نقش،

نیم‌ترنج‌ها قوت طراحی را دوچندان ساخته و رنگ سفید به صورت عامل مقدرکننده رنگ‌آمیزی درآمده است، آن‌چنانکه زمینه فرش سپید به نظر می‌آید و تقریباً همه نگاره‌ها خطی سپیدرنگ دارند. انواع پرندگان شیوه‌یافته (در شش نوع متفاوت) در لابه‌لای درختانی که خاص عرب چرپانلوهاست - و نمایان‌تر از همه درختانی با برگ‌ها و گل‌های بته‌ای - پراکنده‌اند و ماهی‌های شیوه‌یافته بر گرد نگاره‌های لوزی شطرنجی چنبره زده‌اند.

طراحی حاشیه نیز به همان شیوه مألوف عرب چرپانلو و با استفاده از حاشیه‌های باریک فرعی به جای حاشیه پهن اصلی انجام گرفته است. «البته بته‌های شاخک‌دار - که به حالت زنجیره‌ای در دو ردیف از حاشیه‌ها قرار گرفته - از نگاره‌ها و نقش‌های حاشیه‌ای لری سرحد چهار ناحیه است» (پرهام، ۱۳۷۰: ۱۶۱).

واضح است که در دستبافت‌های اشکالی دوره چهارم دیگر نشان چندانی از سنت‌های فرش‌بافی بوانات و قنقری مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، فرش‌های عرب چرپانلو را باید از عالی‌ترین نمونه‌های فرش‌بافی ناب و خالص عشایری



تصویر ۱۶. گبه، عرب چریانلو، ده‌بید، قنقری علیا، ۲۳۰ در ۱۲۰ سانتی‌متر، مأخذ: فسیایی، ۱۳۷۱: ۴۱



تصویر ۱۴- کهن‌ترین فرش جهان به‌نقش حوضی، ۵۰۰ ق.م، موزۀ آرمیتاژ



تصویر ۱۵. آبراه‌های اتصال در حوض‌های عرب‌کوچی، مأخذ: نگارندگان.

شده، در دستبافت‌های قشقایی نادر است. نقش حوضی و ترنج‌ترنج یکی از باستانی‌ترین طرح‌های فرش‌بافی است که قدیمی‌ترین نمونه آن در پازیریک کشف شده است (تصویر ۱۶).^۲ گفتنی است که نقش حوضی فارسی به دو شیوه متمایز بافته می‌شود. در شیوه‌ای که عرب‌های فارسی‌یوانان و قنقری به کار می‌زنند حوضچه‌ها به هم متصل است، گاه بی‌واسطه و پهلو به پهلو (مانند نمونه پازیریک) و گاه به واسطه آبراه‌هایی که همواره در جهت عمودی است (تصویر ۱۵). عرب چریانلوها و قشقایی‌ها غالباً حوضچه‌ها یا ترنج‌ها را جدا از هم قرار می‌دهند.

گبه عرب چریانلو

گبه نوعی قالی گره‌بافته است با پرز بسیار بلند - به بلندی دست‌کم یک سانتی‌متر - و پود فراوان - از سه تا هشت پود در هر رج - و معمولاً درشت‌بافت، مگر در نمونه‌های سفارشی و استثنایی.^۳ «با وجود این، چون خواب بلند پشم پودها را می‌پوشاند، دیده نمی‌شوند» (تناولی، ۱۳۵۶: ۲۲). گبه‌ها بیشتر به‌قصد مصرف خانواده و فرش کردن خیمه و خانه بافته می‌شود و قالی را اغلب در مواقع خاص و برای مهمانان باز می‌کنند. «چون بافنده گبه در بیشتر موارد

با رنگ‌آمیزی بسیار زنده و نشاط‌انگیز، نفوذ سنت‌های عرب چریانلو آشکار است. نقشمایه چرخ و فلکی و ماهی‌ها، و نیز گل‌های درشت هشت‌پر معروف به «نارنج»، که چهار پاره (یا گلبرگ) آن به‌رنگ قرمز سیر و چهارپاره به‌رنگ سبز تیره است، درست به‌سبک عرب چریانلوها طراحی و رنگ‌آمیزی شده است. از سوی دیگر، گل‌های شطرنجی و چهارگوش‌های هشت‌خانه شطرنجی و نیز نقش‌های میان ترنج نسب از دستبافت‌های خنک‌گشت دارد. منطقه خنک‌گشت در جنوب غربی آباده محل بیلاقی طایفه شش‌بلوکی است و به‌یقین بافندگان چریانلو نیز که همراه شش‌بلوکی‌ها کوچ می‌کنند این نقشمایه‌ها را از سکونت خود در این ناحیه به‌یادگار دارند.

رنگ‌های بسیار بدیع و «تروتازۀ» سبز لیمویی و حنایی صورتی‌فام، که چهارترنج را یک‌درمیان روشن کرده، جلوه و گیرایی خاصی به فرش بخشیده است. همچنین است بدعت پرجاذبه طراحی و نقش‌پردازی ترنج اصلی یا «حوضچه» مرکزی که به‌جای نقش متداول میان ترنج، با نقشمایه سرترنج‌های عرب چریانلو و چهار ماهی شیوه‌یافته آراسته و مصور شده است. نقش حاشیه، که از نقش‌های رایج قالی‌های عرب فارسی است و به «چهاربته» موسوم

۱. عنوان مصطلح این نقش در مناطق شهری بافت ایران «قابی» یا «قاب قابی» است.

۲. کهن‌ترین دستبافت حوضی فارس قالیچه‌ای است لری - احتمالاً از سرحد چهار ناحیه بافت اواخر سده دوازدهم هجری که در موزۀ ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود.

۳. هرگاه شمار رشته‌های پود در هر رج از سه تجاوز نکند و پرز هم کوتاه‌تر باشد دستبافت را «قالی گبه» می‌خوانند.

فرش را برای خودش می‌بافت، حتی از بافنده قالی اشکالی هم دستش بازتر است و در تحلیل آخر آنچه «دلش بخواهد» می‌بافت» (پرهام، ۱۳۷۰: ۲۹۰).

مشهورترین گبه‌های فارس به دست قشقایی‌ها (طوایف شش بلوکی و کشکولی) و پس از آن‌ها لرها و بختیاری‌ها بافته می‌شود. به عبارت دیگر، بافندگان اتحادیهٔ خمسه در مقایسه با قشقایی‌ها علاقهٔ چندانی به بافت گبه ندارند و حتی سنت گلیم‌بافی آنان نیز در مقابل قشقایی‌ها ناچیز است. یکی از نقش‌های بسیار محبوب گبه بافان قشقایی و فارس نقش شیر است. پرویز تناولی که غنی‌ترین مجموعهٔ منحصر به فرد از گبه‌های شیری فارس را جمع‌آوری کرده است و در دههٔ ۱۳۵۰ خورشیدی نمایشگاه‌های گوناگونی از این مجموعه در شهرها و موزه‌های مختلف ایالات متحده آمریکا برپا کرد در کتاب قالیچه‌های شیری فارس (که شامل تصاویر این مجموعه است) تنها یک نمونه از گبه‌های به اصطلاح «خمسه» به دست می‌دهد و آن را نیز متأثر از همجواری با قشقایی‌ها می‌داند (تناولی، ۱۳۵۶: ۶۲-۶۳).

سنت گبه‌بافی در منطقهٔ بوانات و قنقری منحصر به تیرهٔ عرب چرپانلو بوده است و دیگر ایلات عرب و روستاها را با آن سروکاری نیست. به همین سبب، هر چه از گبهٔ این منطقه در دست داریم کهن بوده و تاریخی دست‌کم یکصدساله دارد و به پیش از دستبافته‌های چرپانلو-قشقایی مربوط است. دستبافت تصویر ۱۶ یکی از نمونه‌های گبه‌بافی عرب چرپانلوست که در اطراف قنقری بالا بافته شده است.

ویژگی لطافت و نرمش نقشمایهٔ میان ترنج و بازوان ظریف این نقشمایه حاکی از بافت این گبه در آخرین روزهای «دوران گذار» دستبافته‌های عرب چرپانلوست و آن را در آستانهٔ دورهٔ چرپانلو-قشقایی قرار می‌دهد.

رنگ‌های روشن و درخشان گلبه‌ای صورتی و زرد طلایی و آبی آسمانی و بنفش روشن این گبه را به دورهٔ قشقایی-چرپانلو پیوند می‌زند. در مقابل، ویژگی‌هایی نظیر خلوتی نقشه، پشم خودرنگ ابرش فیلی و عاجی زمینه، شیوهٔ حاشیه‌پردازی اصلی و فرعی و شیرازهٔ دورنگ به بافته‌های عرب‌های چرپانلوی منطقهٔ قنقری در دورهٔ اول و دوم اختصاص دارد.

حاشیهٔ اصلی که به نقش سه‌گوش‌های رنگارنگ است نظیری در جاهای دیگر فارس ندارد و تنها در حاشیهٔ برخی از گلیم‌های آناتولی یافت می‌شود. اغلب نقشمایه‌های این بافته و شیوهٔ پردازش آن‌ها بیشتر به گلیم‌بافی نزدیک است تا گره‌بافی و این ویژگی حاکی از آن است که بافندهٔ عرب چرپانلو، که در این زمان به سبب مراودات تیره‌ای و طایفه‌ای با دستبافته‌های قشقایی آشنا بوده، نقشمایه‌های این گبه را از روی یک گلیم قشقایی الگو گرفته است.

شاخه‌هایی که از ترنج مرکزی ریشه گرفته و در چهارسوی زمینه پخش شده است می‌تواند شکل تجریدی و شیوه‌یافته‌ای باشد از نقشمایهٔ «درخت مقدس» یا «درخت زندگی». گبهٔ تصویر ۱۶ تمام‌پشم است و تراکم گرهٔ آن ششصد گره در دسی متر مربع است.

جدول ۱. ویژگی‌های بافندگی، رنگ آمیزی و نقش پردازی در دستبافته‌های عرب چرپانلو در ادوار مختلف

دوره‌های تاریخی	ویژگی‌های نقش پردازی	ویژگی‌های بافندگی	ویژگی‌های رنگ آمیزی
دورهٔ اول (کهن)	خلوتی نقشه، غنای کمتر نقش اشکالی	گرهٔ متقارن شمارهٔ ۱، دوپوده، شیرازهٔ چندرنگ	رنگ آمیزی تیره اندر تیره
دورهٔ دوم	خلوتی نسبی نقشه، نقش‌های قشقایی تبار مانند ماهی درهم، فراوانی نگاره‌های گیاهی،	گرهٔ متقارن شمارهٔ ۱، دوپوده، شیرازهٔ دورنگ	رنگ آمیزی تیره اندر تیره
دورهٔ سوم: دورهٔ گذار	غلبهٔ نقش‌های قشقایی تبار مانند بتهٔ قبادخانی و بته‌جقه و ماهی درهم	گرهٔ متقارن شمارهٔ ۱، دوپوده، شیرازهٔ دورنگ	رنگ آمیزی تیره اندر تیره
دورهٔ چهارم: دورهٔ چرپانلو- قشقایی	شلوغی و غنای نقشه، سرپیچی از قانون حاشیه‌پردازی، نقش ماهی درهم با ماهی‌های درشت اندام، نگاره‌های بته‌ای، نقوش ترنج-ترنج و ترنج-نیم‌ترنج	گرهٔ نامتقارن شمارهٔ ۱، دوپوده، شیرازهٔ تک‌رنگ	رنگ آمیزی روشن فام



نتیجه

دستبافت‌های تیرهٔ عرب چرپانلو از منظر طرح و نقش به چهار دورهٔ تاریخی قابل دسته‌بندی است. جدول شمارهٔ ۱ این دستبافت‌ها را در بستر دوره‌های تاریخی از منظر طرح و نقش، اسلوب بافت و رنگ‌آمیزی مورد تدقیق قرار داده است. در دورهٔ اول که مردمان این تیره در زیر لوای ایل عرب در قُنُقُری گذران زندگی می‌کرده‌اند سنت‌های فرش‌بافی ایل عرب را به‌تمام و کمال در بافته‌های خویش به کار می‌بسته‌اند. مهم‌ترین ویژگی این دوره خلوتی نقشه و غنای کمتر نقش اشکالی در دستبافت‌هاست. در دورهٔ دوم، این بافندگان تحت تأثیر همجواری با قشقایی‌ها به استفاده از نقوش قشقایی‌تبار روی آورده‌اند. در این دوره، در حالی که هنوز سنت‌های فرش‌بافی ایل عرب ناحیه در فرش‌بافی چرپانلوه‌ها مشاهده می‌شود، نقشمایه‌هایی همچون ماهی‌درهم که در فارس از ویژگی‌های فرش‌بافی قشقایی است در زمینهٔ بافته‌ها ظاهر می‌شود. پس از این دوره، «دورهٔ گذار» مطرح می‌شود که در آن زمان عرب چرپانلو به ایل قشقایی پیوسته است. ویژگی‌های دورهٔ گذار عبارت‌اند از افزایش نقشمایه‌های قشقایی‌تبار و استمرار گرهٔ متقارن شمارهٔ ۱ و شیرازهٔ دورنگ به‌منزلهٔ سنت‌های از دوره‌های اول و دوم. در نهایت، در دستبافت‌های دورهٔ پایانی که در این پژوهش از آن به‌عنوان دورهٔ چرپانلوقشقایی نام برده شده، سنت فرش‌بافی جدیدی بر پایهٔ اختلاط سنت‌های کهنه و نو در بین بافندگان عرب چرپانلو شکل گرفته است.

منابع و مأخذ

- ادارهٔ امور ایلات و عشایر شهرستان بوانات. ۱۳۹۲. اسناد ایلات و عشایر بوانات و خرمبید.
- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۸۱. مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، ج ۲. تهران: تامن‌الائمه.
- آربری، آرتور جان. ۱۳۵۲. شیراز. ترجمهٔ م. کاشف. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آیت‌اللهی، علیرضا. ۱۳۵۷. «ایلات و عشایر فارس»، نشریهٔ تکثیرشدهٔ مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز. بیات، کاوه. ۱۳۶۵. شورش عشایری فارس. تهران: نقره.
- پرهام، سیروس. ۱۳۷۰. دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس، ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- پرهام، سیروس. ۱۳۷۱. دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس، ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- پرهام، سیروس. ۱۳۷۵. شاهکارهای فرش‌بافی فارس. تهران: سروش.
- پرهام، سیروس. ۱۹۹۹. «اقوام فرش‌باف دیروز و امروز عرب در ایران»، کنفرانس بین‌المللی قالی‌ها و گلیم‌های سنتی در جهان اسلام. تونس.
- تاریخ سیستان. ۱۳۶۶. تصحیح محمدتقی بهار. تهران: کلاله خاور.
- تناولی، پرویز. ۱۳۵۶. قالیچه‌های شیری فارس. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فسایی، محمدصادق. ۱۳۷۱. با تار و پود عشق (گبه‌ها و قالی‌های عشایری فارس). تهران: نگار.
- فسایی، میرزا احسن. ۱۳۸۲. فارس‌نامهٔ ناصری، ج ۲. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

A Study on the Evolution of Design, Weaving and Coloring Styles in the Arab-Cherpanlu's Hand-wovens

Ali Asghar Shirazi, Ph.D, Assistant Professor, Art Faculty, Shahed University of Tehran, Tehran, Iran.

Hesam Keshavarz, Ph.D. Student, Art and Architecture Faculty, TarbiatModares University, Tehran, Iran.

Recieved: 2013/11/4 Accepted: 2014/3/13



From the old times, the sub-tribe of ArabCherpanlu, which has its summer quarters in Qonqori and Dehbid (two regions in Fars province, southwestern Iran), has joined the Shish-blooki (six-block) sub-tribe of Qashqai tribes since the last hundred years due to the proximity to the Qashqais in Chahardangeh border. ArabCherpanlu has a unique carpet weaving tradition. This paper has focused on the evolution of Arabcherpanlu carpets through the descriptive- analytical method to study the design of these hand-wovens in various periods. The research is based on fieldwork and library sources. The results indicated that the ArabCherpanlu weavers in their hand-wovens, which have Ashkali designs, have experienced four relatively distinct periods: 1. before the 18th century that they lived under the Arab tribe in Qonqori and adhered to its traditions of carpet-weaving such as symmetrical knot type I and dark coloring 2. From the 18th century up to the half of the 19th century, under the influence of the proximity to the Qashqai tribes, they began to use Qashqai-originated motifs 3. ((Transition period)), by the mid 19th century, they joined Qashqai tribe which led to mutual influences. The most important characteristic of this period is the development of the Qashqai-originated qualities among the Cherpanlu weavers 4. During the last ninety years, known in this paper as the Cherpanlu-Qashqai period, a new carpet-weaving tradition is formed among the Cherpanlu weavers based on a combination of new and old traditions.

Key words: Carpet, Qashqai, ArabCherpanlu, Bavanat, Qonqori.